

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موازنه سبک‌شناسی

شعر فروغ فرخزاد، خالده فروغ و فرزانه خجندی

نویسنده:

دکتر طاهره سیدرضایی

(استادیار دانشگاه پیام‌نور)

سردرځای، طاهره، ۱۳۵۷ -	:	سرشناسه
موازنه سبک‌شناسی شعر فروغ فرخزاد، خالده فروغ و فرزانه خجندی/ نویسنده طاهره سیدرضایی.	:	عنوان و نام پدیدآور
اراک: نوای دانش، ۱۳۹۷.	:	مشخصات نشر
۲۸۴ ص.	:	مشخصات ظاهری
۳۰۰۰۰ ریال 978-964-8949-81-0	:	شابک
فیپا	:	وضعیت فهرست‌نویسی
فرخزاد، فروغ، ۱۳۱۳ - ۱۳۴۵ - نقد و تفسیر	:	موضوع
Farrokhzad, Forugh -- Criticism and interpretation	:	موضوع
فرخزاد، خالده، ۱۳۵۱ - نقد و تفسیر	:	موضوع
خجندی، فرزانه، ۱۹۶۴ - م. - نقد و تفسیر	:	موضوع
شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد	:	موضوع
Persian poetry -- 20th century -- History and criticism	:	موضوع
شعر فارسی - افغانستان - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد	:	موضوع
-- Afghanistan -- 20th century-- History and criticism Persian poetry	:	موضوع
شعر تاجیکی - قرن ۲۰ - تاریخ و نقد	:	موضوع
Tajik poetry -- 20th century -- History and criticism	:	موضوع
PIR ۴۰۰۷ ۱۳۹۷ ۹ س/ز	:	رده بندی کنگره
۸۹۲۸۳/۰۸۸	:	رده بندی دیویی
۵۲۹۹۶۹۳	:	شماره کتابشناسی ملی

انتشارات نوای دانش: اراک ۰۹۱۸۳۶۱۲۹۶۷ ۳۲۲۳۴۰۸۴ ۳۲۲۳۴۰۸۳ -۰۸۶

نام کتاب: موازنه سبک‌شناسی شعر فروغ فرخزاد، خالده فروغ و فرزانه خجندی

نویسنده: طاهره سیدرضایی (استادیار دانشگاه پیام‌نور)

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: نوای دانش

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-8949-81-0

۹۷۸-۹۶۴-۸۹۴۹-۸۱-۰

شابک:

پیشگفتار

آگاهی از اوضاع زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزها، ضرورتی است که غنای فرهنگ ایرانی و بومی شعر و ادب فارسی را در پی خواهد داشت. در راستای این ضرورت و به منظور آشنایی با شاعران زن در دو کشور همسایه و همزبان، نوشتار پیش‌رو، شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی (شاعر تاجیک) و خالده فروغ (شاعر افغان) را از منظر عناصر و مؤلفه‌های سبک‌شناسی، واکاوی نموده است. این سه شاعر که در سه حوزه سیاسی جداگانه بالیده‌اند و بنا به محیط اجتماعی- فرهنگی و تربیت فردی، ذهنیتی مخصوص به خود یافته‌اند، از شاعران برجسته و صاحب سبک در کشور خود، محسوب می‌شوند؛ لذا خوانش موازی اشعار آنان علاوه بر اینکه به درک موقعیت امروزین ادب فارسی در کشورهای همسایه کمک می‌کند؛ می‌تواند در شناخت گرایش‌های فکری و اجتماعی حاکم بر این کشورها، سطح زندگی زنان و جایگاه آنان در جامعه، ثمربخش باشد. بررسی‌های صورت گرفته در این نوشتار، نشان می‌دهد خالده و فرزانه، از فروغ تأثیر گرفته‌اند و شباهت‌هایی در سطح زبانی ادبی و محتوایی هر دو شاعر به ویژه فرزانه خجندی با فروغ وجود دارد اما تفاوت‌های میان دو شاعر با فروغ بسیار عمیق‌تر و محسوس‌تر از شباهتشان است. مهم‌ترین تفاوت آنها در ~~محتوای~~ نگاه زنانه، بیان جورانه و غالباً صریح احساسات عاشقانه و سنت‌ستیزی است که از ویژگی‌های بارز شعر فروغ است و در شعر دو شاعر دیگر دیده نمی‌شود اما اندیشه فرزانه خجندی و خالده فروغ شباهت‌های زیادی به هم دارد و دنیای شعر آنها به هم نزدیک است. توجه به هویت تاریخی و فرهنگی و شرایط سیاسی کشورشان از مهم‌ترین دغدغه‌های آنان است.

فهرست مطالب

۱۱

مقدمه

۱۵

فصل اول: مبانی سبک‌شناسی

۱۶

مفهوم سبک و سبک‌شناسی

۱۶

سابقه سبک‌شناسی در اروپا

۲۰

سابقه سبک‌شناسی در ایران

۲۴

قلمرو سبک

۲۷

سبک فردی و عمومی (دوره ای)

۲۸

سبک زنانه

۳۱

فصل دوم: شعر نو در ایران، افغانستان و تاجیکستان

۳۲

نگاهی به کشور ایران

۳۲

شعر نو در ایران

۳۷

نگاهی به کشور افغانستان

۴۱

شعر نو در افغانستان

۵۱

نگاهی به کشور تاجیکستان

۵۵

شعر نو در تاجیکستان

۷۰	شعر زن در ایران
۸۰	شعر زن در افغانستان
۸۶	شعر زن در تاجیکستان

فصل چهارم: زندگی و شعر فروغ فرخزاد، خالده فروغ و فرزانه خجندی

۹۳



۹۴	فروغ فرخزاد
۹۴	زندگی نامه
۹۹	شعر فروغ فرخزاد
۱۱۱	خالده فروغ
۱۱۱	زندگی نامه
۱۱۲	شعر خالده فروغ
۱۲۱	فرزانه خجندی
۱۲۱	زندگی نامه
۱۲۳	شعر فرزانه خجندی

فصل پنجم: سبک‌شناسی شعر فروغ فرخزاد، خالده فروغ و فرزانه

۱۲۷

خجندی

۱۲۸	سبک‌شناسی شعر فروغ فرخزاد
۱۲۸	سطح زبانی
۱۳۸	سطح ادبی
۱۶۰	سطح فکری
۱۷۲	سبک‌شناسی شعر خالده فروغ
۱۷۳	سطح زبانی
۱۸۱	سطح ادبی
۱۸۹	سطح فکری
۱۹۷	سبک‌شناسی فرزانه خجندی
۱۹۷	سطح زبانی
۲۰۱	سطح ادبی
۲۱۰	سطح فکری

۲۱۷

فصل ششم: تحلیل و مقایسه شعر سه شاعر

۲۱۸	تأثیرپذیری خالده و فرزانه از فروغ فرخزاد
۲۲۰	مقایسه سبک شعر سه شاعر
۲۲۰	سطح زبانی

مقدمه

زبان فارسی که روزگاری در مشرق زمین از حلب تا کاشغر گسترده بود، امروز قلمرو وسیع گذشته را ندارد. پس از سقوط سلسله صفویه در ایران، از گستره حضور و نفوذ زبان فارسی کاسته شد و جغرافیای آن بسیار محدود گردید؛ اما فارسی هنوز در سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان زبان رسمی است و در شماری از کشورهای دیگر چون ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، پاکستان و هند، مردمانی زندگی می‌کنند که به این زبان سخن می‌گویند و شعر می‌سرایند؛ اما زبان و ادبیات فارسی برون مرزی، آن چنان که باید در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. این نوشتار در نظر دارد با معرفی شعر دو بانوی فارسی زبان در خارج از مرزهای ایران و مقایسه آنها با فروغ فرخزاد، گامی کوچک در راه شناساندن ادبیات برون مرزی بردارد.

خراسان بزرگ و ماوراءالنهر (فرارود) که امروز بخش اعظم آن در قالب دو کشور تاجیکستان و افغانستان ادامه حیات می‌دهد؛ زادگاه ادب فارسی و خاستگاه دانشمندان، شاعران و نویسندگان بزرگ بوده است. بعد از مرزبندی‌های سیاسی، میان سه کشور فارسی زبان ایران، تاجیکستان و افغانستان، روابط فرهنگی هم که قرن‌های متمادی این مردمان را به هم پیوند داده بود، از هم گسست؛ تا جایی که فرهنگ آنها جدا از هم تلقی گردید و زبان مشترک فارسی به سه زبان متفاوت فارسی، تاجیک و دری تقسیم شد؛ اما با همه فراز و فرودها و تلاش‌هایی که برای برانداختن این زبان شد، هنوز فارسی در این سه کشور زبان رسمی است و هنوز هم اشتراکات زیادی میان ادبیات آنها، به ویژه در حوزه شعر می‌توان یافت. امروز شاعران افغانستان و تاجیکستان، با تحولات زبان فارسی در ایران به صورت روزمره پیوند دارند؛ که این خود نویدی برای شکل‌گیری دوباره یک حوزه بزرگ زبانی است. در سال‌های اخیر، پژوهش در حوزه تاجیکستان و افغانستان رشد چشمگیری داشته است اما در باب محتوا، نقد، تحلیل و تطبیق شعر، خلأهای بسیار وجود دارد. این کاستی به ویژه در حوزه مطالعات مربوط به زنان بیشتر احساس می‌شود؛ با وجود آنکه زنان در ادبیات معاصر پا به پای مردان به خلق آثار ادبی اعم از نظم و نثر پرداخته‌اند؛ آثار آنان چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. در راستای جبران بخش کوچکی از خلأهای موجود، این نوشتار در نظر دارد به مطالعه شعر سه شاعر زن از سه کشور همزبان بپردازد. «فروغ فرخزاد» از ایران، «خالده فروغ» از افغانستان و «فرزانه خجندی» از تاجیکستان، به عنوان نماینده زنان شاعر در این سرزمین‌ها برگزیده شده‌اند. دلیل انتخاب این سه شاعر چند مورد داشت: ۱- هر سه شاعر، زن هستند. ۲- از زمانه و زمینه‌ای نزدیک به هم بر آمده‌اند و در جوامعی که بنیان‌های مشترک فرهنگی دارند،

بالیده‌اند. ۳- هر سه، شاعر اندیشمند و صاحب سبک هستند. ۴- موضوعات و مضامین مشترک در شعر آنها دیده می‌شود.

البته شعر فروغ در مقایسه با دو شاعر دیگر، پایگاه هنری والاتری دارد و شاعران مذکور کم و بیش از وی تأثیر گرفته‌اند. در شعر خجندی این تأثیرپذیری بیشتر است؛ به طوری او را «سایه فروغ» خوانده‌اند.

در مورد ضرورت نگارش این کتاب باید گفت که توجه به شعر افغانستان و تاجیکستان، در واقع توجه به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی است. اثبات هویت ایرانی اسلامی و معرفی فرهنگ ریشه‌دار این کشورها، امروزه که هویت فرهنگی آنان به ویژه تاجیکستان از جهات مختلف مورد نفی و ستیز است؛ اهمیتی دوچندان دارد. خوانش موازی اشعار این سه شاعر علاوه بر اینکه در بازیابی هویت فرهنگی کشورهای همسایه مؤثر است؛ تصویر روشن‌تری از موقعیت امروزین ادب فارسی در این دو کشور فرا روی مخاطب قرار می‌دهد. این آگاهی از اوضاع زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزها، ضرورتی است که غنای فرهنگ ایرانی و بومی شعر و ادب فارسی را در پی خواهد داشت؛ ضمن اینکه در شناخت دیدگاه‌ها، دغدغه‌ها و سطح زندگی زنان این سرزمین‌ها نیز مفید خواهد بود. انتظار می‌رود در پایان این نوشتار و با نتیجه این بررسی، افق روشن‌تری از شاعران زن، پیش روی مخاطب قرار گیرد.

مقایسه سبک سه شاعر نیازمند زاویه دید و مبنای روشنی است؛ تا براساس آن بتوان اشعار آنها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. بر این اساس، نگارنده براساس دانش سبک‌شناسی به ویژه رویکردهای این دانش که برخاسته از زبان‌شناسی نوین است، به مطالعه و بررسی اشعار هر شاعر پرداخته است؛ زیرا دانش سبک‌شناسی اصرار دارد که هر نوع تفسیر و قضاوتی باید براساس «خوانش دقیق عین متن» استوار گردد. بر این اساس، روشی که برای بررسی سبک‌شناسی اشعار شاعران مذکور برگزیده شده، پایه زبان‌شناختی دارد. پیوسته در لابه لای کتاب از مبانی زبان‌شناسی سخن خواهیم گفت و این مبانی را در سه سطح «زبانی، ادبی و فکری» و می‌کاویم. مزیت روش انتخاب شده برای تحلیل عناصر سبک‌ساز این است که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر سطح امکان‌پذیر می‌سازد. علاوه بر این، سهم هر سطح را در برجسته‌سازی متن به طور جداگانه مشخص می‌کند.

علاوه بر این روش انتخابی یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین روش‌هاست و براساس آن می‌توان به اجزای تشکیل دهنده متن اشراف پیدا کرد اما در بررسی سبکی شاعران منتخب، تحلیل

خود را در به این کتاب محدود نکرده و به فراخور موضوع، از روش‌های نو مانند روش «تنوع واژگان جانسون» و روانشناسی رنگ «ماکس لوشر» نیز استفاده کرده‌ایم. از آنجا که یکی از اهداف ما در این نوشتار پیش رو، نشان دادن وجوه شباهت و تمایز اشعار سه شاعر است، محتوا را نیز مهم دانسته و بر آن تاکید کرده‌ایم و معتقدیم که سبک‌شناسی یک اثر بدون پرداختن به محتوا ناقص و ناتمام است؛ برای رسیدن به این منظور، ابتدا اشعار هر سه شاعر را به دقت و مکرر، مطالعه کرده و سپس ویژگی‌های متن را در سطح زبانی، ادبی و فکری استخراج و پس از تحلیل و بررسی با یکدیگر مقایسه نموده‌ایم؛ ناگفته نماند که البته در تحلیل سبک‌شناسانه اشعار مذکور همه ویژگی‌ها و ساختارها، مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. بر این اساس، از عناصر و ساختارهایی سخن گفته‌ایم که برجسته‌تر از بقیه بودند؛ مثل تکرار معنادار برخی سازه‌های زبانی، ترکیبات، صفات و... به ویژه بر گزینش واژگان تاکید داشته‌ایم؛ زیرا بر این باوریم که سبک فرد در گزینش واژگان، شکل می‌گیرد و شناخت دایره واژگانی شاعر به شناخت اعتقادات، محیط فرهنگی و علایق فردی او کمک خواهد کرد. برای رسیدن به این هدف، ضمن برشمردن واژگان پر بسامد هر شاعر، آنان را از منظر نظریه «تنوع واژگان جانسون» نیز بررسی نموده‌ایم که میزان توانمندی شاعران منتخب را در کاربرد کلمات متنوع نشان می‌دهد. در این نوشتار تا جایی که امکان داشت، از قضاوت‌های سلیقه‌ای و برداشت‌های شخصی اجتناب ورزیده و تمام تحلیل‌های خود را مستندسازی کرده و براساس آمار و ارقام ارائه داده‌ایم. شایان ذکر است که برای تعیین بسامد هر یک از متغیرهای ذکر شده، تمام چهارده مجموعه شعر شاعران منتخب، با دقت تمام مورد بررسی قرار گرفته است.

تمام تلاش ما این بوده است که از این طریق، به زبان شخصی شاعران مورد نظر دست پیدا کنیم. در مقایسه ویژگی‌های زبانی شاعران و توصیف زبان شخصی آنان، تفاوت‌های زبانی هر یک مد نظر بوده و در تحلیل‌ها سعی شده است که خاستگاه فرهنگی و شرایط اجتماعی متفاوت آنها شناسایی شود و شعرشان با توجه به چهارچوبی که به آن متعلق هستند، درک و ارزش‌گذاری گردد. از آنجا که این پژوهش بر مبنای دانش سبک‌شناسی بنیان نهاده شده، در فصل نخست، نگاهی گذرا به تاریخچه، اصول و مفاهیم مطرح در سبک‌شناسی خواهیم داشت.